

## نگاهی به آینده شهر

\* سید محمد سید میرزایی

دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

پدیده شهرنشینی، با قدمتی طولانی، با آینده‌ای پیچیده‌تر از امروز روبرو است. شواهد موجود نیز صحت آن را بی‌نیاز از اثبات نشان می‌دهد. زیرا اگر طی سی سال گذشته، جمعیت شهری جهان به بیش از دو برابر رسید، بر اساس پیش‌بینی‌های مقرون به صحت سازمان ملل، طی سی سال آینده نیز به‌ویژه در کشورهای پرجمعیت در حال توسعه چنین خواهد بود. این پدیده پیوسته، دو وجه هزینه و فایده را در خود داشته، و در هر حال یکی از عناصر مهم در محاسبه شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌گذاری‌ها بوده است. چهار محور جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، در استمرار تحولات آینده درخور مطالعه‌اند. توسعه بی‌وقفه شهری در این محورها، برخورداری از مدیریت علمی و اثرگذار برای مقابله با چالش‌های جدید، توزیع امکانات بر اساس سیاست‌های متناسب با اوضاع و درک مجدد از مسائل با رعایت قواعد بازی در سطوح ملی و جهانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.  
کلیدواژه‌ها: شهرنشینی، کلان‌شهر، کمربند حاشیه‌ای، سرمایه اجتماعی، احتکار زمین، ژئوفیزیک، همسایگی.

## A Perspective on the Future of the City

Mohammad Seyed Mirzaie, Ph.D.

Professor, Department of Sociology, College of Letters and Human Sciences  
Shahid Beheshti University

### Abstract

The phenomenon of urbanization with its long history is facing a future more complex than today. The existing evidence also precludes the need for any proof for the validity of this argument. Since urban population has doubled within the past thirty years, according to reliable United Nations forecasts, this trend will continue for the next thirty years as well, especially in populated, developing countries. This phenomenon always contains the two dimensions of cost and benefit and, in general, has been one of the important elements in calculating different economic, social, and policy-making indicators. In this regard, four axes (population, society, economy and environment) in terms of continued future development need to be studied. Continuous urban development within these axes, has made the possession of scientific and influential management for confronting new challenges, the distribution of facilities based on policies suitable with the existing conditions, the need for a renewed understanding of the issues, following the rules of the game at national and global levels, inevitable.

Keywords: Urbanization, mega-city, marginal line, social capital, land abuse, Geophysics, neighbourhood.

\* دکترای جمعیت‌شناسی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه، استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.  
SEYEDMIRZAI@yaho.com

## مقدمه

از پدیده‌های مهم امروز که سخن بسیار گفته شده شهرنشینی و روند تحول آن است و آن طی سه دهه اخیر، به سطحی رسیده که در طول سالیان دورتر از آن تجربه نشده است. به عبارت دیگر، در خلال سی سال گذشته، جمعیت شهری در سطح جهانی، به بیش از دو برابر بالغ شده است. بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل طی سی سال آینده این پدیده در مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه تکرار خواهد شد، به گونه‌ای که جمعیت شهری در این مناطق از جهان، از رقم ۱/۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به آستانه ۴ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید در حالی که در بقیه جهان، یعنی کشورهای پیشرفته صنعتی، در همان فاصله زمانی رقم ۹۰۰ میلیون به یک میلیارد نفر خواهد رسید (Chasteland & Chesnais 1997).

اما در داخل این دو مجموعه جمعیتی - جغرافیایی، تفاوت‌ها و اختلافات قابل توجهی نیز وجود دارد. در حالی که این تفاوت‌ها در مجموعه کشورهای پیشرفته صنعتی چندان محسوس نیست ولی در بین کشورهای دسته دیگر چشمگیر است.

به‌طور مثال، به رغم آن که قاره افریقا پایین‌ترین میزان شهرنشینی را در سطح جهان دارد، اما میزان رشد جمعیت شهری آن رقم بالایی را نشان می‌دهد.

اگر در حال حاضر به طور متوسط ۳۸ درصد جمعیت افریقا در مناطق شهری زندگی می‌کنند، بر اساس پیش‌بینی‌ها و مطالعات سازمان ملل تا سال ۲۰۳۰ این رقم به ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. تفاوت‌هایی نیز در داخل قاره افریقا وجود دارد، ولی طرح آن به فرصت دیگری موکول شده است.

اما مورد آسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا در این قاره غول‌های جمعیتی تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای و جهانی وجود دارند و مطالعه هر کدام از آن‌ها فصلی اختصاصی را می‌طلبد.

این قاره با توجه به حجم جمعیت آن، در سال ۲۰۳۰ رقم قابل توجهی از جمعیت شهرنشین را خواهد داشت. گرچه در حال حاضر میزان شهرنشینی در بخش وسیعی از این قاره، بر اساس برآوردهای بخش مطالعات جمعیتی واشنگتن پایین است، اما سازمان ملل گزارش داده است که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰، کشور هند به تنهایی ۳۴۵ میلیون نفر، پاکستان نزدیک به ۱۰۰ میلیون و بنگلادش نیز بیش از ۵۰ میلیون شهروند جدید خواهد داشت.

نکته قابل توجه، میزان تأثیرگذاری «کلان شهر»ها در این تحولات است و باید گفت در تمامی کشورهای در حال توسعه از مجموع ۱۹ شهر با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت در سطح جهانی ۱۵ شهر در این مجموعه قرار دارند و تا سال ۲۰۱۵، از ۲۳ شهر با مشخصات جمعیتی یاد شده، تعداد ۱۹ شهر در همان گروه خواهد بود که به ترتیب قاره‌های آسیا ۱۳ مورد، امریکای لاتین ۴ و آفریقا ۲ مورد را از آن خود خواهند کرد. به علاوه، تا سال ۲۰۱۵ در مجموعه بزرگ کشورهای در حال توسعه، تعداد ۴۰۰ شهر شمارش خواهند شد که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر خواهند داشت. اما امریکای لاتین، وضعیتی متفاوت نسبت به دو قاره دیگر دارد. در این منطقه در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰، نسبت شهرنشینی از ۷۵ درصد به ۸۳ درصد افزایش خواهد یافت (United Nations 2001).

نکته دیگر این است که در منطقه آسیا در مقایسه با قاره آفریقا و امریکای لاتین مجموعه شهرها فشردگی جغرافیایی بیشتری دارند. به عبارت دیگر شهرهایی مانند توکیو، پکن، اوزاکا، شانگهای، مانیل، داکا، حیدرآباد، بانکوک، کلکته، دهلی نو، کراچی، بمبئی و جاکارتا که همه وزن سنگینی از جمعیت دارند با فاصله‌های جغرافیایی کمتری نسبت به دو شهر غول‌پیکر لاگوس در آفریقای غربی و قاهره در شمال شرق آفریقا و سائوپولو و بوئنوس آیرس و مکزیکوسیتی، در امریکای لاتین در کنار هم قرار گرفته‌اند و این امر دارای اثرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انکارناپذیری است.

بر پایه پیش‌بینی‌های سازمان ملل برای شهرنشینی در سطح جهان در سال ۲۰۰۰، روند تحولات شهرنشینی در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۳۰، برای مناطق مختلف در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱- روند تحول شهرنشینی بر حسب مناطق مختلف جهان (به درصد)

منطقه	سال	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۲۰۰۰	۲۰۳۰
آمریکای شمالی		۶۴	۷۴	۷۷	۸۴
آمریکای لاتین و کارائیب		۴۱	۶۱	۷۵	۸۳
اروپا		۵۲	۶۷	۷۵	۸۳
اقیانوسیه		۶۲	۷۱	۷۰	۷۶
آفریقا		۱۴	۲۵	۳۸	۵۴
آسیا		۱۷	۲۵	۳۷	۵۳

مأخذ: (United Nations 2001)

این جدول نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۳۰ در مناطق مختلف جغرافیایی، نسبت‌های شهرنشینی به شکلی متفاوت تغییر خواهد کرد. در حالی که امریکای شمالی از ۶۴ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۸۴ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش یافته است، اما در آفریقا و آسیا به ترتیب از ۱۴ درصد به ۵۴ درصد و از ۱۷ درصد به ۵۳ درصد با شتاب بیشتری رشد خواهد کرد.

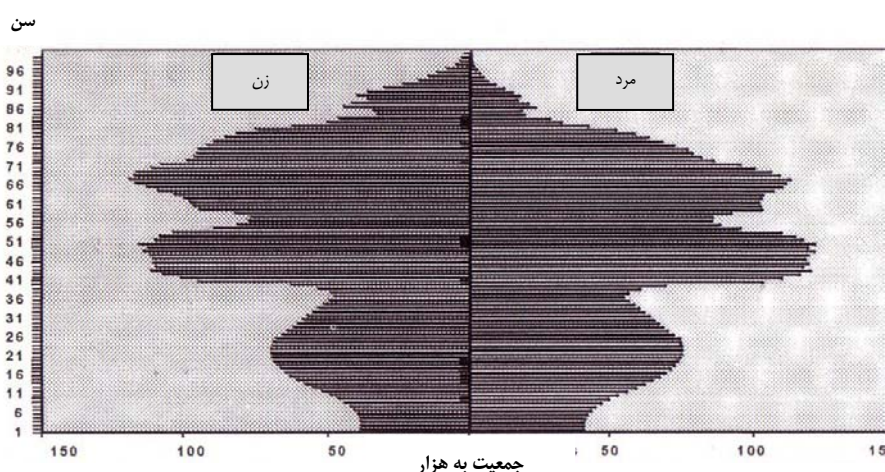
### محورهای عمده در تحولات آینده شهری

«شهر» دارای طبیعت خاص خود است. مکانی است که خلاقیت‌ها در آن به‌وجود می‌آیند. نیاز، دستیابی به کیفیت مطلوب زندگی و ایجاد زمینه‌های رشد سرمایه اجتماعی به عنوان عنصری اساسی برای ارتقای حیات اجتماعی را خلق می‌کند. اما موانع هر چند موقت نیز، چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. «شهر» با توجه به جنبه‌هایی که دارد همواره موجب می‌شود نیروهای جدیدی به آن وارد شوند. اما چون این نیروها خصایص متفاوتی با بومیان دارند، ابتدا موجبات بروز ناسازگاری را فراهم می‌آورند، در حالی که به تدریج این نیروهای تازه وارد، با سازگار شدن و پذیرش قواعد بازی می‌توانند عامل مؤثری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی باشند. تحقیقی که «سیبروک» در بنگلادش انجام داده به این نتیجه رسیده است که مهاجران افراد باهوشی هستند و گزینش آنان برای مهاجرت امری عقلانی است. گر چه این انتخاب آنان را در خط «کمر بند حاشیه‌ای» (Margin of existence) قرار می‌دهد، ولی این پدیده‌ای است که در طول تاریخ همراه انسان بوده است (به نقل از ۱۵: Hall & Pfeiffer 2000).  
به نظر می‌رسد چهار زمینه یا محور جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در تحولات آینده شهری اهمیت داشته باشند.

### محور جمعیتی

در مورد محور جمعیتی باید به دو وضعیت متفاوت جمعیت شهری توجه داشت. الف) با یک تقسیم‌بندی کلی جمعیت شهری در دو گروه از کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته می‌توان گفت که رشد قابل توجه جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه، همچنان ناشی از سرریز جمعیت روستایی و ادامه حرکت‌های مهاجرتی است. اما چند عامل را می‌توان در آن مؤثر دانست:

- ورود آرام صنعت به حوزه‌های کشاورزی، افزایش نسبی قابلیت تولید و آزاد شدن نیروی انسانی و سپس روانه شدن آن به شهر
  - فقدان زمین قابل کشت تا حد مورد نیاز و یا بهره‌برداری بیش از حد منجر به فرسایش خاک و نبود اصلاحات لازم در زمینه‌های مختلف
  - حوادث طبیعی و پی‌آمدهای منفی زیست محیطی
  - تضادهای قومی در بخش‌هایی از این گروه از کشورها و احساس عدم امنیت ناشی از آن
  - سهولت نسبی دستیابی به خدمات اساسی در شهر
- ب) اما در شهرهای کشورهای توسعه‌یافته وضعی متفاوت به چشم می‌خورد. عمده‌ترین ویژگی آن در کاهش نرخ مولید به میزان کمتر از حد جایگزینی است. نتیجه طبیعی آن افزایش نسبت کهنسالان در کل جمعیت با پی‌آمدها و نتایج خاص خود است. این پدیده از نیمه دوم قرن بیستم تحولات شگرفی داشته است و بر اساس پیش‌بینی‌ها این افزایش چشمگیرتر نیز خواهد بود.
- نسبت جمعیت بیش از ۶۵ سال از رقم ۷/۹ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۱۳/۵ درصد در حال حاضر ارتقا یافته و در سال ۲۰۵۰ به رقم بیش از ۲۴ درصد خواهد رسید. حتی این تحول در برخی از کشورها سنگین‌تر خواهد بود، مانند ژاپن، آلمان و ایتالیا؛ این نسبت در این کشورها به آستانه ۴۰ درصد خواهد رسید (Hall & Pfeiffer 2000: 43) و پاره‌ای سؤالات اساسی را مطرح خواهد ساخت از جمله این‌که:
- به فرض بازسازی نیروی انسانی، البته با آهنگی آرام، چه اتفاقاتی ممکن است صورت گیرد؟
  - آیا جامعه شهری خواهد توانست پی‌آمدهای ناشی از پیری جمعیت را خنثی کند، یا مجبور به جذب نخبگان و ترمیم نیروی انسانی خواهد شد؟
  - وضع خانواده شهری و نقش آن در قبال نگهداری و حمایت سالخوردگان چه خواهد بود و آیا به کلی سازمان‌های غیردولتی عهده‌دار این وظیفه خواهند بود؟
  - اگر قرار باشد در سال ۲۰۳۰، به میزان ۱۶/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی صرف سرمایه‌گذاری برای سالخوردگان شود، در آن صورت تبعات آن روی بخش جمعیت فعال، دستمزدها و مالیات‌ها چه خواهد شد؟
  - وضعیت خانواده‌های تک سرپرست رو به افزایش، در گروه سنی بسیار سالمند، که نیازها و مسائل ویژه دارند، چه خواهد شد و بار اقتصادی آن تا کجا خواهد رسید؟



ساختار سنی در آلمان در سال ۲۰۳۰ (مأخذ: مرکز آمار آلمان فدرال)

این پدیده را در بلندمدت در مورد کشورهای در حال توسعه امروز، با توجه به حجم جمعیت و ساختار سنی آن، با اهمیت تر باید در نظر گرفت. از این رو، هنگامی که تحولات جمعیتی از یک طرف و توانمندی‌های اقتصادی از طرف دیگر در کنار هم قرار می‌گیرند، دورنمای مبهمی را نشان می‌دهند.

اگر کشور سوئد نسبت جمعیت ۶۵ سال به بالا را طی مدت ۸۴ سال از ۷ درصد به ۱۴ درصد رساند، این دگرگونی عمده در کشورهایی مانند سنگاپور، کره، ژاپن و چین حداکثر به ۳۰ سال زمان نیاز دارد. (U.N.F.P.A. 1998: 17)

### محور اقتصادی

محور دیگر در تحولات شهری در مرتبه بعد از جمعیت، اقتصاد است. شکی نیست که افزایش تولید در سایه برخورداری از فناوری‌های مؤثر از عوامل اصلی تحولات شهری در زمینه اقتصادی است. اما آن نیز مستلزم تقویت پس‌اندازها در اندازه‌های گوناگون با توجه به ابعاد اقتصادی و فرهنگی آن است.

اما آیا رشد سریع جمعیت نقش بازدارنده در رسیدن به بسیاری از اهداف اقتصادی ایفا نمی‌کند؟ بنابراین مهار آن یک پیش شرط مسلم برای دستیابی و تضمین توسعه پایدار است. گرچه شهر به عنوان بستر اصلی رشد اقتصادی است و مکانی است که نیروهای فیزیکی و



انسانی را در خود متمرکز می‌کند و نوآوری‌ها را به وجود می‌آورد، اما در عین حال برای ادامه حیات و پویایی خود، باید با سیستم بزرگ‌تر و وسیع‌تر مرتبط باشد. از این رو شهرها به‌طور طبیعی با سیستم اقتصاد جهانی، پیوند خورده‌اند که وجه مشخصه آن وارد شدن به میدان‌های رقابت است.

این سیستم شرایط الزام‌آوری را به وجود می‌آورد که شهرها را به پویا کردن مکانیزم‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های انسانی برای ارتقای ظرفیت‌های علمی و فناوری ناگزیر می‌سازد. این فرایند در شهرهایی مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور تجربه شده است.

بنابراین سیستم اقتصاد جهانی، یا به عبارت دیگر جهانی شدن بازار رقابت بین اقتصادهای شهری را گرم‌تر و پررونق‌تر می‌سازد. در این میدان رقابت، شهرهایی که قواعد بازی را رعایت می‌کنند، دست‌آوردهای قابل توجهی را نیز به دست می‌آورند و مصداق این قول قرار می‌گیرند که:

موفقیت، موفقیت را به دنبال می‌آورد (Success breeds success). بنابراین شهر هنگامی که در بستر رشد قرار گرفت، ظرفیت جذب سرمایه را نیز افزایش می‌دهد و با بالا بردن ضریب انعطاف‌پذیری در شرایط مختلف، شاهد پیشرفت‌های شگفت‌انگیز اقتصادی - اجتماعی می‌شود.

به این نکته باید توجه داشت که جهانی شدن، پدیده‌ای جدید نیست. زیرا همان‌طور که «والرشتاین» به آن اشاره کرده است سیستم جدید جهانی که دربرگیرنده روابط تجاری متقابل بازارها در مقیاس بین‌المللی باشد، چند صد سالی است که پا گرفته است. به‌طور مثال، در قرن نوزدهم کارخانجات نساجی لانکاشایر انگلیس مواد اولیه خود را از کشور هند دریافت می‌کرد و نیازهای الکترونیکی خود را از شهر برلین آلمان، که در آن زمان شهر تکنولوژی برتر بود فراهم می‌ساخت. اما امروزه، این پدیده ابعاد تازه‌ای یافته است و با گسترش شعاع‌های ارتباطی و با دخالت تکنولوژی‌های برتر تمامی نقاط دنیا در ساده‌ترین شکل و در کمترین زمان ممکن که مرگ فاصله‌ها را نشان می‌دهد به یکدیگر مرتبط شده است و به نظر می‌رسد حیات و مرگ یک اقتصاد در گرو وارد شدن در چنین شبکه وسیع است (Wallerstein 1976؛ به نقل از Hall & Pfeiffer 2000: 53).

این سیستم جهانی تجاری با تاثیرگذاری گسترده در شؤون مختلف اقتصادی و اجتماعی، شیوه‌های زندگی شهری را مدام دگرگون می‌سازد و فقر و غنا نیز مجال همزیستی پیدا

می‌کنند. تردیدی نیست که فرایند انباشت نیروهای مادی و انسانی، مکانیزمی را ایجاد می‌کند که نتیجه آن تولید ثروت است، بی‌آن که بتواند بر نابرابری‌ها چیره شود. بنابراین، در هیچ نقطه از دنیا این فرایند و نیز رشد اقتصادی توانسته‌اند فقر را به‌طور کامل ریشه‌کن کنند. اما مهم این است که اگر اقتصاد شهری توانسته گروه کوچکی از ثروتمندان بزرگ را به‌وجود آورد، اما در کنار آن زمینه‌های مساعدی را نیز برای بسیاری از شهروندان ایجاد کرده که از دایره فقر خارج شوند و با تغییراتی در شیوه و الگوهای زندگی، از نسل‌های قبلی و گذشته خود متمایز شوند.

گرچه انباشت ثروت در بعد جهانی، نابرابری‌های خاص خود را به همراه دارد، یعنی شهرهای مرکز با درآمد بسیار بالا، وجوه اختلاف و تفاوت بسیاری با شهرهای پیرامونی دارند و به این ترتیب، ۲۸ درصد از جمعیت جهان، ۹۱/۵ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به خود اختصاص داده است، اما نباید تحولات مثبت نسبی نیز نادیده گرفته شود.

به‌طور مثال، سهم برخی از کشورهای جنوب آسیا از تولید جهانی در سال ۱۹۶۵، فقط ۹ درصد بود، سپس این رقم در سال ۱۹۷۵ به ۱۵ درصد و در سال ۱۹۹۵ به ۲۵ درصد و با وارد شدن «یورو» به بازار جهانی به ۲۹ درصد رسید (Hall & Pfeiffer 2000: 54). این نمونه نشان‌دهنده وجود پتانسیل تحول در سایر موارد نیز هست. زیرا هنگ‌کنگ که تا چندی پیش یک مستعمره بود، در حال حاضر یکی از قطب‌های اقتصادی پرتحرک در دنیاست. بنابراین نکته مهم در ایجاد شرایط امن و مساعد و تحقق پیش شرط‌های اساسی و ضروری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جهانی است.

از جمله این پیش شرط‌ها اثبات ثبات سیاسی و تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی است. این امر در بسیاری از شهرهای کم توسعه یا در حال توسعه اهمیت مضاعف دارد. پس وجود اقتصاد و بازار قوی به عنوان محرک آن به تنهایی کافی نخواهد بود، بلکه در صورت فقدان دموکراسی، منابع موجود در جهت منطقی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت و فقر را استمرار خواهد بخشید. بنابراین محور اقتصاد و سیاست‌های آن عامل مؤثری در تحولات آینده شهر محسوب می‌شود.

اگر سیاست‌های اقتصادی موقتاً در دو مقیاس ملی و شهری در نظر گرفته شود، این دو حلقه‌های ارتباطی دارند. در اوضاع و احوال کنونی و ضروریات اقتصاد شهری رو به رشد ایجاد اشتغال با ثبات برای تثبیت منابع درآمدی و کاهش فقر شهری ضروری می‌نماید.



کاهش فقر شهری نیز نباید موجبات استمرار فقر روستایی، مؤثر در تشدید روند مهاجرت را فراهم سازد. بنابراین، اثرات سمت‌گیری‌های اقتصاد کلان، ارزش پول، سیستم‌های مالیاتی و تأثیر جهانی شدن در اقتصاد شهری را نباید نادیده گرفت. در چنین شرایط، برخی عناصر مورد اشاره در زیر، در روند تحولات تأثیرگذار هستند:

- آموزش و افزایش مهارت‌ها: این دو و سیاست‌های اقتصاد شهری اثرات متقابل روی یکدیگر دارند.

- تعامل پویا میان نهاد آموزش و بازار کار

- ارائه خدمات عمومی پایه‌ای مانند آب، برق، گاز، انرژی

- مسکن و نیازهای مربوط به آن که مورد بحث جداگانه خواهد بود.

- ایجاد شرایط فرهنگی و طراحی شهری جذاب

تعامل نزدیک میان عناصر و مقامات مدیریتی محلی با هسته مرکزی در موارد فوق، به‌ویژه هنگامی که سیاست‌های عدم تمرکز از اولویت برخوردار است، پیش شرط اصلی برای دستیابی به موفقیت است. نموده‌ها و جلوه‌های بارز آن می‌تواند در کاهش تضادها میان گروه‌های اجتماعی و سمت‌گیری آن‌ها به سوی مشارکت‌های جدید نمایان شود. بنابراین می‌توان به این نکته اشاره داشت که تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی مستلزم سازگاری و مشارکت جمعی صرف‌نظر از منافع متفاوت اعضای جمع است. در قالب این مباحث، دفتر بین‌المللی کار، کنش‌هایی را در سطوح شهری و ملی مورد بررسی قرار داده و از هم تفکیک کرده است (ILO 1998).

- در سطح شهری، هدایت اعتبارات تخصیصی و تعیین اولویت‌ها، اصلاح و بهسازی روش‌های ارائه خدمات عمومی، تلاش در کاهش فشارهای احتمالی در سطح مدیریت عمومی. تسهیل و روان‌سازی جریان امور به نحوی که کارکرد مؤسسات و سازمان‌های کوچک‌تر را آسان کند، مکان‌یابی مناسب برای تأسیسات آموزشی، بهداشتی و درمانی، به‌ویژه در مناطقی که از لحاظ اجتماعی در حالت انزوا و دور افتاده قرار دارند، ارتقای ظرفیت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و صنعتی، بهسازی کاربری زمین‌های شهری، اعمال نظارت در کاربرد منابع و سود حاصل از آن‌ها به‌ویژه در مورد احتکار زمین، برای ممانعت از تشکیل بازار سیاه، ارتقای کیفی سازمان‌ها و مؤسسات محلی و تقویت زمینه‌های مشارکت‌های جمعی.

- در سطح ملی، ارجاع مسئولیت و تفویض اختیارات قانونی به مقامات محلی، تقسیم عادلانه منابع، اصلاح سیاست‌های مالی که در نهایت ممکن است به سود مؤسسات مقتدر ختم شود، تسهیل مجراهای ارتباطی میان مؤسسات بزرگ و کوچک.

در این فرآیند دامنه‌دار، شهرهای کوچک، به سهم خود در خور اهمیت خواهد بود. زیرا این گروه از شهرها گرچه احتمالاً با آهنگی کندتر ولی به صورت امری طبیعی با تأثیرپذیری از الگوهای کلان شهری، که در وجوه مختلف خود را نشان می‌دهد، رو به رشد خواهند بود و به این ترتیب بسترهای بالقوه مهاجرت و حرکت نیروی انسانی به سوی کلان‌شهرها همچنان باقی خواهد ماند. بنابراین برای مهار استمرار این تحرکات جمعیتی، تقویت و حمایت مشاغل کوچک مؤثر در اقتصادهای محلی رو به رشد و اسکان جمعیت اولویت می‌یابد. از مسائل عمده دیگر در اغلب شهرهای رو به توسعه در قرن بیست و یکم که همچنان با افزایش تقاضا روبرو خواهند بود، اسکان جمعیت با ابعاد جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و بالقوه سیاسی حائز اهمیت است.

همچنین کیفیت ساخت و سازهایی که در گذشته صورت گرفته، در شرایط خاص ژئوفیزیکی و اقتصادی، تخریب و بازسازی و افزایش استحکام و مقاومت بناها را اجتناب ناپذیر ساخته است.

کدام راهبرد را می‌توان مناسب‌تر یافت؟ به نظر می‌رسد سیاست یا استراتژی‌های توانمندسازی در مقایسه با تعهد دولت‌ها در تأمین مسکن، چه از طریق ساخت و ساز مستقیم و چه از راه اعطای یارانه‌ها، مؤثر باشد. زیرا اگر در گذشته دولت‌ها در شرایط اضطراری سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در کشورهایی مانند آلمان، فرانسه، انگلیس درگیر جنگ، ناگزیر به دخالت مستقیم در تولید انبوه مسکن و عرضه آن به مصرف‌کننده شدند، اما با توجه به تغییرات مهم در اوضاع و احوال اجتماعی، توانمندسازی و جلب مشارکت بخش خصوصی و مصرف‌کننده واقعی ضرورت یافته است.

توانمندسازی به حال اشخاص، گروه‌ها و مناطقی مفید خواهد بود که بر اراده به‌کارگیری توانایی‌ها و منابع خود تأکید ورزند. از طرف دیگر تأمین منابع درآمدی، نظارت بر قیمت‌ها، مبارزه با احتکار و سایر رفتارهای انحرافی یک تعهد عمومی اجتناب‌ناپذیر بر عهده دولت مرکزی است.

اما در راهبردهای مسکن، پارهای امور کیفی نیز جایگاهی دارند، که از آن جمله‌اند:

- همسایگی و همزیستی: از مهم‌ترین مواردی است که می‌تواند در طول زمان حقوق و تکالیف شهروندی را در ابعاد متعدد به وجود آورد.

- تولید، توزیع و مصرف انرژی: گسترش فضایی در سطح و ارتفاع از وجوه اجتناب‌ناپذیر توسعه شهری است. نیازی به گفتن نیست که مصرف انرژی و تبعات آن اهمیت بسیاری می‌یابد.

- نزدیکی یا فاصله‌گیری گروه‌های مختلف اجتماعی: افزایش پیوسته جمعیت شهری به ابعاد کمی منحصر نیست، بلکه در ابعاد کیفی، تعامل یا تقابل قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در تأثیرگذاری روی کیفیت زندگی عمومی تردیدناپذیر است و این یکی از چالش‌های مهم برای دولت‌ها و فرمانروایان محلی است.

- زندگی در خانواده: افزایش جمعیت شهری، تراکم، شیوه‌های سکونت و روابط اجتماعی مؤثر بر فرآیند جامعه‌پذیری، عواملی هستند که زندگی خانواده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

### محور اجتماعی

جا دارد تحولات شهری در این محور در قالب مطالعات گسترده تغییرات اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. دگرگونی در خانواده و ساختار آن که حاصل کوچک شدن ابعاد خانواده، قوت گرفتن عقلانیت در محاسبه هزینه و فایده اقتصادی فرزندان است و استمرار نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه برای زنان، به‌رغم تحول عمده در منزلت اجتماعی آنان - به طور نظری آن - از جمله مسائل در خور توجه است. اما به راستی مسائل اجتماعی و اقتصادی به آسانی قابل تفکیک و تجزیه کامل نیستند و بنابراین طرح یکی، آن دیگری را نیز به میان می‌کشد.

فقر و نابرابری شهری، ضمن آن که یک امر اقتصادی است، دارای ابعاد قوی اجتماعی نیز هست. زیرا کمی دقت روشن می‌کند که فقر شهری، به دلیل نارسایی ظرفیت اقتصادی شهری در جذب نیروی انسانی سرریز روستایی، به فقر «روستایی تبدیل شده» است. این جریان چالش مهمی را برای شهر ایجاد می‌کند و شواهد، نشانگر عمومی بودن آن است، زیرا با تحولات نسبتاً مثبتی که بعد از پایان جنگ جهانی دوم صورت گرفته بود، تصور افزایش نابرابری‌های شهری چندان جدی نبود اما توزیع نامتعادل ثروت از یک سو و رشد قابل ملاحظه جمعیت و افزایش نسبی طول عمر از سوی دیگر، در ایجاد محدودیت‌های اجتماعی - اقتصادی و استمرار

نابرابری حتی در شهرهای پیشرفته‌ای مانند نیویورک یا لندن نیز موثر بوده‌اند. در طول دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نابرابری‌های درآمدی در بسیاری از کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های بین‌المللی (OECD) رو به افزایش نهاده است، به گونه‌ای که درآمد دهک پایین جامعه رو به کاهش و درآمد دهک بالای جامعه رو به افزایش بوده است. تنها در چند کشور از جمله در بلژیک، هلند، ایتالیا و کانادا این نابرابری‌ها کاهش نشان داده است. نابرابری‌ها در شهرهای فقیر و ثروتمند انعکاس متفاوت دارند، ولی یک وجه مشترک این است که فقر و نابرابری با کجروی و جرایم رابطه تنگاتنگ دارند. در شهرهای در حال توسعه فقدان منابع و مهارت‌ها بیش از سایر عوامل در بروز کجروی‌ها مؤثرند. غالب این کجروی‌ها متوجه اشخاص است.

بر اساس تحقیقاتی که اسکان بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ به عمل آورده است، حداقل در پنج سال یک بار، نیمی از جمعیت شهری در شهرهای بیش از یک صد هزار نفری به نحوی از جرایم گوناگون شهری آسیب می‌بینند و جرایم شهری طی دو دهه اخیر بین سه الی پنج درصد در سال، با وجود تفاوت‌های میان کشورها و شهرها، رشد کرده است. در سال‌های اخیر جرایم خشونت‌آمیز از قبیل قتل، بچه‌کشی، سوءاستفاده‌های جنسی، خشونت‌های خانوادگی رشد قابل توجهی نشان داد، به گونه‌ای که ۲۵ تا ۳۰ درصد جرایم شهری را در بسیاری از کشورها شامل شده است.

نگاهی به ارقام جدول شماره ۲، توزیع جغرافیایی جرایم را بر حسب مناطق مهم، روشن می‌سازد:

جدول شماره ۲- توزیع درصد جمعیت آسیب‌پذیر از جرایم شهری در شهرهای بیش از یکصد هزار نفر

منطقه	سرقت و خسارت خودرو	تعرض شبانه به منازل	سایر اشکال سرقت	حمله‌های فیزیکی و جرایم ناشی از نزاع	همه جرایم
اروپای غربی	۳۴	۱۶	۲۷	۱۵	۶۰
امریکای شمالی	۴۳	۲۴	۲۵	۲۰	۶۵
امریکای جنوبی	۲۵	۲۰	۳۳	۳۱	۶۸
اروپای شرقی	۲۷	۱۸	۲۸	۱۷	۵۶
آسیا	۱۲	۱۳	۲۵	۱۱	۴۶
آفریقا	۲۴	۳۸	۴۱	۳۳	۷۶

مأخذ: (Hall & Pfeiffer 2000: 123)

ارقام مشخص شده با توجه به کشور یا منطقه و نوع جرایم می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر نابرابری‌های اقتصادی یا درآمدی در وقوع جرایم خاص شهری باشد. در آمار «همه جرایم» قاره آفریقا بیشترین رقم و پس از آن آمریکای جنوبی و آمریکای شمالی قرار دارند. شرایط نابرابر اقتصادی، اجتماعی، این ارقام را می‌تواند توجیه کند. نابرابری‌ها و محرومیت‌های اجتماعی ممکن است سبب شوند تا افرادی که درآمد پایین دارند بتوانند از یارانه‌های مختلف دولت استفاده کنند. اما نتیجه نهایی این است که این اقشار به تدریج با حاشیه‌گزینی از جریان اصلی جامعه و قطع امید نسبت به بهبود وضعیت، شرایط نامطلوب‌تری نظیر آن‌چه که «مرتون» می‌گفت، پیدا کنند و موجب ادامه وضعیت موجود شوند.

به‌طور مثال، می‌توان به اوضاع و احوالی اشاره کرد که در نقاط مختلف جهان که در جدول شماره ۲ دیده شد. شیوع رفتارهای انحرافی توسط زنان و مردان جوان، مانند آلودگی به مواد مخدر، سرقت، فعالیت‌های غیرقانونی، حضور مستمر و گسترده پلیس در نقاط مختلف شهرها، دستگیری‌ها، مجازات‌ها، افزایش پرونده‌های جنایی، کیفری و حقوقی در محاکم و نظایر آن‌ها، از نمونه‌های بارز این رفتارها است.

آیا در بعد اجتماعی، به نکات دیگری نیز می‌توان اشاره کرد؟ گفتنی است که نوآوری‌های فناوری در حجم عظیم، متنوع و پیشرفته ارتباطی و کاربرد وسیع آن‌ها آینده زندگی شهری را سخت تحت تأثیر قرار داده است. اثرات اجتماعی ناشی از آن مانند دستیابی به فرصت‌ها و اوقات آزاد، ایجاب می‌کند تا دگرگونی‌هایی نیز در گزینش‌ها، و امکان دسترسی به شیوه‌ها و الگوهای زندگی نو به وجود آید. این تغییرات حتی تا درون خانواده‌ها نیز ممکن است کشیده شود، و در ابعاد مختلف مانند افزایش طلاق، کاهش استحکام خانواده، فاصله گرفتن بین نسلی، تشدید گرایش به فردگرایی، ظاهر شود. علاوه بر این، تمایل جوانان شهری به جدا شدن از خانواده و گزینش زندگی مستقل، افزایش تعداد سالمندان، که باید تنها زندگی کنند، دور از احتمال نیست. تشکیل و تقویت سازمان‌های غیردولتی و سایر شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی از رویدادهایی است که در آینده می‌تواند اثرات مثبت به دنبال داشته باشد.

### محور زیست محیطی

شاید بتوان گفت محیط زیست از عمده‌ترین محورها در تحولات شهری است. اهمیت آن تا به آن‌جا رسیده است که امروزه می‌توان گفت قرن بیست و یکم قرنی است که مسائل زیست

محیطی مقام نخست را به خود اختصاص خواهد داد. زیرا اگر به عواملی که سرآغاز بروز این دسته از مسائل است توجه شود، در آن صورت می‌توان به صحت این نکته پی برد. افزایش فشار بر منابع طبیعی، رشد قابل توجه مصرف انرژی در اثر افزایش حجم تقاضا، کاهش منابع آب، تهدید آب‌های سطح‌الارضی در اثر ورود حجم عظیمی از آلاینده‌های مختلف به آن، کشمکش‌های احتمالی در اثر بی‌تعادلی در دسترسی به آب شرب، رقابت در دستیابی به انرژی اتمی، خطرات مسلم ناشی از استفاده نابخردانه از آن در به کرسی نشاندن برخی مسائل از سوی بعضی حکومت‌ها، افزایش گازهای گلخانه‌ای و خطرات حتمی آن در بالا رفتن دمای زمین با پی‌آمدهای فراوان آن، خطر ذوب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب‌های دریاها و فاجعه‌های زیست محیطی ناشی از آن، و پس ماندگی فرهنگی در فهم اهمیت محیط زیست و لزوم پایداری آن برای نوع بشر از چالش‌هایی است که نه تنها زندگی شهری بلکه روستایی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. اما برای آن که اضطراب ناشی از وقوع چنین حوادثی تا اندازه‌ای کاهش یابد، بر آن چه جان اف. کندی رییس جمهور اسبق امریکا گفته بود اشاره‌ای می‌شود. وی گفته بود: «مسائل ایجاد شده توسط بشر، به دست بشر می‌تواند حل شود.»

نظیر این سخن را در بیانیه کمیسیون جهانی محیط و توسعه (World Commission on Environment and Development) می‌توان یافت. در این کمیسیون سؤال این بود که میلیون‌ها شهروند در جهان، در نیمه اول قرن بیست و یکم به دنبال چه هستند؟ نگرانی‌ها و دغدغه‌های عمده آنان چیست؟ نتیجه این شد که کمیسیون فوق در بیانیه خود در سال ۱۹۸۷ به این استراتژی اساسی اشاره کند که بشریت قدرت و توانایی تحقق توسعه پایدار را دارد، به گونه‌ای که بتواند نیازهای فعلی خود را برآورده سازد، بی‌آن‌که توانمندی‌های نسل‌های بعدی را در معرض تهدید قرار دهد (Hall & Pfeiffer 2000: 17).

این نکته سخن ابنزر هوارد (Ebenez Howard) را تداعی می‌کند. وی معتقد است «شهرها» از یک سو در بستر پویایی خود فرصت‌های مثبت و در عین حال منفی را در جوهر خود دارند و در این حالت دو قطبی «پایداری» را خلق می‌کنند، اما از سوی دیگر محیط خود را در معرض تهدید قرار می‌دهند. وی در ادامه با یک مقایسه کلی می‌گوید شرایطی که یک قرن پیش در شهری مثل لندن وجود داشت، امروزه با شدت بیشتری در بسیاری از شهرهای در حال توسعه دیده می‌شود. از این رو، پس از انتشار بیانیه کنفرانس یاد شده در اوایل دهه



۱۹۹۰ مفهوم پایداری از دایره «زیست محیطی» فراتر رفت و به حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترش یافت. در این مورد، «آمارتیا سن» برنده جایزه نوبل در اقتصاد در مهم‌ترین اثر خود به این نکته اشاره کرده است که یک جامعه می‌تواند از لحاظ اقتصادی به «حد مطلوب پارتویی» (Pareto - optimal) برسد، در حالی که هنوز در شرایط نامطلوب قرار دارد. یعنی با بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر، قدرت و ثروت اقتصادی بالایی را می‌توان به‌دست آورد، ولی آثار منفی بلندمدت را برای نسل‌های بعدی بر جای گذاشت (Sen 1970). از این رو در دهه ۱۹۹۰، مفهوم توسعه انسانی پایدار جایگاه ویژه‌ای در محافل علمی و اجرایی پیدا کرد.

منظور از توسعه انسانی پایدار، تأکید بر انتخاب آگاهانه مردم، ظرفیت‌ها و توانایی‌هاست که متضمن رشد اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت، توانمندسازی به‌ویژه در مورد زنان و حفاظت از محیط زیست است. پس مفهوم «پایداری» بعد اکوسیستمی را در درون خود دارد، و اساسی‌ترین مسأله در آن تخریب‌های مستمر زیست محیطی به‌ویژه در شهرهای بسیار پیشرفته، به‌رغم برخورداری از فناوری‌های پیچیده است. شهرهای در حال توسعه نیز باید الزامات فناوری‌های غیربومی را بپذیرند و الگوهای زندگی را با آن وفق دهند، علاوه بر این، باید فقر مزمن شهری، ناشی از تحولات جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی را تحمل کنند.

آشکارترین و عمومی‌ترین عناصری که با ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روی محیط زیست شهری اثرات انکارناپذیر و مستمری دارد، افزایش پیوسته کاربرد سوخت‌های فسیلی، ناشی از ضرورت‌های توسعه شهری از یک سو و استمرار تمرکز نیروها به‌ویژه در شهرهای بزرگ از سوی دیگر است. بنابراین شبکه‌های ارتباطی به عنوان سیستم عصبی شهر و عنصر مکمل آن یعنی سیستم حمل و نقل، امروزه از اهمیت بالایی برخوردار شده است. روند تشدید این مسأله را می‌توان از دهه ۱۹۵۰ ملاحظه کرد. کولین کلارک، اقتصاددان امریکایی در سال ۱۹۵۷ با در نظر گرفتن نقش سیستم حمل و نقل در توسعه شهری معتقد بود که حمل و نقل عنصری است که می‌تواند شهر را بسازد یا آن را تخریب کند (Hall & Pfeiffer 2000).

با توسعه مداوم شهری و افزایش فاصله‌های فیزیکی دستیابی به یک سیستم حمل و نقل مؤثر ضرورت انکارناپذیر می‌یابد و با توجه به اثرات رشد اقتصادی و تغییر الگوهای زندگی تمایل به تملک خودروی شخصی و بازاریابی صنایع خودروسازی، همراه با رقابت بین

شرکت‌های سازنده از طریق اعمال تسهیلات برای جلب مشتری، چالش‌های شهری را به‌ویژه در ربع دوم قرن بیست و یکم تشدید خواهد کرد. به موجب گزارش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۹۵ هفتاد درصد خودروهای دنیا متعلق به کشورهای عضو این سازمان بود، اما تا سال ۲۰۲۰، این رقم دگرگون خواهد شد؛ به این معنی که در طی این مدت آمار خودروهای موجود در کشورهای در حال توسعه، به میزان ۷۵ درصد افزایش خواهد یافت و در مجموع ۴۳ درصد از کل خودروهای دنیا در این مجموعه از کشورها خواهد بود. تحول این پدیده را در جدول شماره ۳ می‌توان دید:

جدول شماره ۳- رشد احتمالی تعداد خودروهای شخصی در جهان

۱۹۹۵ (به هزار)	۲۰۲۰ (به هزار)	
۱۷۰۴۶۰	۲۴۷۳۲۸	امریکا
۱۶۰۲۱۵	۲۴۴۷۲۰	کشورهای عضو سازمان OECD
۵۲۶۵۴	۸۲۱۹۳	اروپا
		اقیانوسیه
۳۸۳۳۲۹	۵۷۴۴۲۱	کل سازمان بقیه بخش‌های دنیا
۱۱۱۲۵۵	۲۸۳۳۴۹	کل جهان
۴۹۴۵۸۴	۸۵۶۵۹۰	

مأخذ: گزارش OECD سال ۱۹۹۵

از سوی دیگر، بر اساس برآورد بانک جهانی، در شهرهای در حال توسعه، دو پدیده در ارتباط با یکدیگر رشد قابل توجه نشان می‌دهند، از طرفی شهرها، رقم رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی وسایل نقلیه موتوری، و از طرف دیگر رشد جمعیت شهری به‌طور متوسط معادل ۶ درصدی را تجربه می‌کنند. بنابراین، در مقایسه با سطح درآمد، رقم خودروی شخصی، رشد بالایی را دارد.

به علاوه میزان دستیابی به فضا برای رفت و آمد تعداد فزاینده وسایل نقلیه این شهرها متناسب نیست. در حالی که در برخی شهرهای اروپا و امریکای شمالی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد فضای شهری به حمل و نقل و رفت و آمد وسایل نقلیه تخصیص یافته است، در شهرهای پرجمعیتی مانند بانکوک و کلکته این رقم فقط به ۷ تا ۱۱ درصد می‌رسد (World Bank 1996). حتی با تعداد کمتر خودروهای شخصی، معابر و گذرگاه‌های شهری در شهرهای در

حال توسعه متراکم‌تر است. به طور مثال، متوسط سرعت در گذرگاه‌های مکزیکوسیتی ۱۶ کیلومتر در ساعت و حتی در بانکوک به ۱۳ کیلومتر در ساعت می‌رسد. پژوهشگران معتقدند، از دلایل این امر از یک سو، ارزان بودن هزینه سوخت و تخصیص یارانه‌های دولتی به آن است و از سوی دیگر فعالیت بخش‌های تولیدی و اعمال برخی تسهیلات عامل افزایش تمایل به تملک خودرو و مصرف سوخت در بسیاری از شهرهای در حال توسعه به‌ویژه در کلان‌شهرهاست؛ به‌طور مثال در قاهره سالانه ۱۷ درصد به تعداد خودروهای شخصی افزوده می‌شود (World Bank 1996: 132).

افزون بر آن در برخی محافل اقتصادی برآوردهایی را در مورد هزینه تراکم خودرو در گذرگاه‌ها به عمل آورده‌اند. به‌طور مثال، مجله اکونومیست بر اساس محاسبه کمیسیون همکاری بین‌المللی ژاپن در سال ۱۹۹۰ نوشت که متوسط هزینه تراکم وسایل نقلیه در گذرگاه‌ها و معابر کشورهای اروپایی، در سال ۱۹۹۵ معادل دو درصد تولید ناخالص داخلی بوده است (Federal Ministry of Transport, Building and Housing 1998) و هزینه‌های زیست محیطی آن مانند آلودگی آب و هوا، به‌طور مثال در شهر بانکوک، به دو میلیارد دلار در سال بالغ می‌شود. به علاوه، اگر هر خودرو به طور متوسط ۴۴ روز را در رفت و آمدهای شهری صرف کند، در صورت کاهش ده درصد از ساعات اوج رفت و آمد شهری، می‌تواند به صرفه‌جویی معادل چهارصد میلیون دلار در سال منجر شود. در حالی که بر اساس برآوردهای انجام گرفته، سطح بالای سرب تولید شده ناشی از سوخت‌های فسیلی عامل کاهش بیش از چهار واحد از بهره هوشی کودکان تا هفت سالگی می‌شود (Hall & Pfeiffer 2000: 262). از این رو، از سال ۱۹۹۰ به این سو دولت‌ها در واکنش به مهار بحران برای تضمین پایداری شهر به‌ویژه در زمینه حمل و نقل و کاهش حجم CO<sub>2</sub>، به برگزاری کنفرانس «کیوتو» در سال ۱۹۹۷ مبادرت ورزیدند. پس می‌توان به اهمیت عنصر مدیریت در فرایند توسعه و تحولات شهری به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر پی برد، که به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

### مدیریت و توسعه شهری

توسعه شهری فرایندی است که با عنصر مدیریت ارتباطی تنگاتنگ دارد. مدیریت علمی اساسی‌ترین امری است که می‌تواند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، مشارکت‌های اجتماعی و حفظ محیط زیست شهری مؤثر باشد.

اما گفتنی است به دلیل ادامه مهاجرت‌های روستا به شهر و اجرای ناقص سیاست تمرکززدایی به منظور تحقق نسبی عدالت اجتماعی در توزیع امکانات، که هر دو جنبه ساختاری دارد، مدیریت شهر با مشکلات و چالش‌های متعددی روبرو است. اگر تفویض اختیارات به سازمان‌ها در بخش‌های دولتی و غیردولتی برای شناسایی نیازها و اعمال سیاست برای اخذ نتایج مطلوب هدف اصلی مدیریت شهری فرض شود، با مدیریت متمرکز متمایل به اقتدارگرایی معارض خواهد بود. به علاوه تقویت نقش و وظیفه بخش غیررسمی که در تولید درآمد بسیار مؤثر است، با مدیریت‌های متمرکز مغایرت دارد، در حالی که مدیریت غیر متمرکز، میان منابع و نیازها ارتباط منطقی‌تری برقرار می‌سازد و راه رسیدن به نتایج مطلوب را هموار می‌کند (چیما ۱۳۷۹: ۴۲-۱۱).

با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که پیوسته صورت می‌گیرد، برای این که مدیریت شهری بتواند پایداری زندگی شهری و به مطلوبیت رساندن آن را تضمین کند، تن دادن به نوآوری و درک مجدد از مسائل شهری امری اساسی است. اما نوآوری مستلزم توانایی پذیرش دیدگاه‌های نو و کنار گذاشتن نگرش‌های خودمحور است. دو تن از محققان به نام‌های آلتشولر و زیگان در مورد نوآوری گفته‌اند، نوآوری یعنی تازگی عملکرد که شامل دیدگاهی تازه در چهارچوبی کاربردی به منظور نیل به نتیجه موفقیت‌آمیز است (چیما ۱۳۷۹: ۵۲). برای آن که مدیریت شهری بتواند عنصر نوآوری را به کار گیرد، مستلزم بازنگری در استراتژی خود و گسترش حوزه‌های مطالعاتی برای ارائه چشم‌اندازی روشن‌تر نسبت به توسعه شهری در آینده است.

آنتونی گیدنز معتقد است عواملی که در توسعه شهری تأثیرگذارند، گاهی بخشی از فرایندهای بسیار گسترده و متأثر تغییراتی است که در تولید و اقتصاد صنعتی در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد. از این رو در مطالعات شهری باید مسائل جهانی از یک سو و ملی و محلی از سوی دیگر در ارتباط با هم قرار گیرند (گیدنز ۱۳۷۳: ۶۱۹).

اهمیتی که «گیدنز» به توسعه شهری داده و آن را با مسائل جهانی پیوند زده است، نشانگر جایگاه ویژه آن در مطالعات شهری و به‌ویژه نشانگر نقش مدیریت مؤثر و ابزارهای مختلف آن است.

## نتیجه

به اختصار می‌توان اشاره کرد که پدیده «شهر» و «شهرنشینی» سابقه‌ای دیرینه دارد همچنان که آینده دور و درازی را نیز ترسیم می‌کند، فرایندی است اجتناب‌ناپذیر، که هر

کشوری آن را تجربه کرده است و در آینده نیز با پیچیدگی‌هایی که حاصل زمان و نیازهای آن است، روبرو خواهد بود.

بی‌تردید نمی‌توان در مقابل جریان‌های ناشی از تحولات جمعیتی، استقرار، توزیع و جابجایی‌ها برای دستیابی به شرایط بهینه اقتصادی، اجتماعی و تبعات ناشی از آن‌ها، تحولات سریع و بی‌وقفه اقتصادی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی، که پایگاه و مراکز تصمیم‌گیری آن در شهر قرار دارد، مقاومت نشان داد و تحولات اجتماعی و فرهنگی را که دامنه آن حداقل در رفتارهای ذهنی روستایی، از طرق ارتباطی مختلف با انسان شهری انعکاس می‌یابد، نادیده گرفت. بنابراین جز تن دادن به دگرگونی‌های، گاه بنیادی در زندگی شهری، و الزامات آن گریزی نیست، اما تکیه‌گاه مطمئنی که بتواند شرایط مطلوب زندگی شهری را محقق سازد، مدیریت آگاه و موثر شهری است، که حتی می‌تواند در پویایی زندگی روستا نیز تأثیر گذارد.

### منابع

- بورژل، گی. ۱۳۷۷. شهر/امروز. ترجمه محمد سید میرزائی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- چیمبا، شایبر. ۱۳۷۹. مدیریت شهر: خط مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه. ترجمه پرویز زاهدی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- شکوئی، حسین. ۱۳۷۳. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۳. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- Hall Peter, Pfeiffer U. 2000. *Urban Future 21*. London: E & FN Spon.
- Chasteland, J.C., J.C. Chesnais (eds.). 1997. *La population du monde: enjeux et problèmes*. Paris: Presses Universitaires de France.
- Federal Ministry of Transport, Building and Housing. 1998. *The Economist*. 346, 8055, 80: 5-6.
- Ledrut, Raymond. 1973. *Sociologie Urbaine*. Paris: P. U. F.
- Sen, Amartya K. 1970. *Collective Choice and Social Welfare*. San Francisco: Holden Day.
- Toffler, Alvin. 1981. *The Third Wave*. New York: Bantam Books.
- United Nations. 2001. *World Urbanization Prospects (The 2001 Revision)*. New York: United Nations.

U.N.F.P.A. 1998. *The State of World Population 1998: The New Generations*.  
New York: UNFPA.

Weeks. J. 2002. *Population 2002*. Wadsworth: Thomson Learning.

ILO (International Labour Office). 1998. *The Future of Urban Employment*.  
Geneva: ILO.

